



## موانع رشد بخش خصوصی<sup>۱</sup>

ترجمه اصلان قوچانی\*

### مروری اجمالی

تکو،<sup>۲</sup> یکی از کارآفرینان اهل جاکارتا،<sup>۳</sup> در صدد است یک کارخانه نساجی تأسیس کند. او مشتریانی حاضر و آماده، ماشین آلات مناسب وارداتی و یک برنامه کاری نویدبخش دارد. اولین برخورد او با ادارات دولتی از جایی شروع می‌شود که او می‌خواهد کسب و کار خود را به ثبت برساند. وی برگه‌های قانونی را از وزارت دادگستری<sup>۴</sup> تحویل گرفته، آنها را تکمیل کرده و در دفتر اسناد رسمی ثبت می‌کند. تکو اثبات می‌کند که یکی از ساکنان بومی آن محل است و سابقه کیفری ندارد. او یک شماره مالیاتی دریافت می‌کند و پس از اخذ جواز کسب، حداقل سرمایه لازم را - که معادل سه برابر درآمد سرانه ملی است - در یک بانک سپرده‌گذاری می‌کند. سپس اساسنامه شرکت<sup>۵</sup> را در یک روزنامه رسمی چاپ و تمپر را باطل می‌کند، و کار ثبت را در وزارت دادگستری انجام می‌دهد و ۹۰ روز برای تکمیل بایگانی تأمین اجتماعی صبر می‌کند. ۱۶۸ روز پس از آغاز این فرآیند، او اجازه قانونی برای شروع کار را دریافت می‌کند. در این مدت، مشتریان او با اشخاص دیگری قرارداد بسته‌اند.

1. Duing Business, 2004, Chapter one

2. Teuku  
3. Jakarta  
4. Ministry of Justice  
5. articles of association

در پاناما<sup>۱</sup> کارآفرین دیگری به نام اینا<sup>۲</sup> شرکت ساختمانی خود را فقط در ۱۹ روز به ثبت می‌رساند. کسب و کار او در حال رونق گرفتن است. اینا قصد دارد شخصی را به مدت دو سال استخدام کند. اما طبق قانون کار، تنها برای مشاغل خاص می‌توان استخدام‌های سررسید معین<sup>۳</sup> انجام داد و حتی در این صورت نیز حداکثر مدت ممکن، یک سال است. در این موقع یکی از کارکنان او، به صورت غیرمترقبه و بدون بهانه، پیش از انقضای قرارداد، کار را ترک کرده و خسارت مالی قابل توجهی ایجاد می‌کند. برای جایگزینی او، اینا باید مسئله را به اتحادیه اعلام و موافقت آنان را جلب کند و به اندازه پنج ماه بابت انفصال از خدمت<sup>۴</sup> (شخص غایب) پردازد. به این ترتیب اینا از استخدام شخص ماهرتری که در نظر داشت، چشم‌پوشی می‌کند و همان کارگر ناکارآمد را باز هم نگه می‌دارد.

علی، یکی از تجار امارات متحده عربی، به آسانی می‌تواند به استخدام و اخراج کارکنان خود پردازد. اما یکی از مشتریان او از پرداخت بهای محموله‌ای که سه ماه پیش دریافت کرده است، امتناع می‌کند. حل و فصل دعوای مزبور در دادگاه، به ۲۷ دستورالعمل و بیش از ۵۵۰ روز زمان نیاز دارد. تقریباً همه دستورالعمل‌ها باید کتبی باشند و مستلزم توجیه حقوقی مفصل و به‌کارگیری وکیل هستند. پس از چنین تجربه‌ای، علی تصمیم می‌گیرد که بعد از این فقط با مشتریانی معامله کند که آنها را به خوبی بشناسد.

تیمنیت<sup>۵</sup> کارآفرینی جوان در آئیووی، تصمیم به گسترش کسب و کار پررونق مشاوره‌ای خود گرفته و برای این کار به دنبال گرفتن وام است. او هیچ مدرکی برای سوابق اعتباری خود ندارد، زیرا هیچ دفتر ثبت اطلاعات اعتباری در آنجا وجود ندارد. اگر چه وی حساب دارایی<sup>۶</sup> قابل توجهی دارد که قابل توقیف است، ولی قانون اجازه قبول این دارایی‌ها به عنوان وثیقه را به بانک نمی‌دهد. مسئولین بانک می‌دانند که اگر تیمنیت خطا کند، به خاطر ناکارآمدی دادگاه‌ها و قدرت ناچیزی که قانون به اعتباردهندگان داده است، قادر به باز پس‌گیری وام نخواهند بود. به این ترتیب، وامی به او نمی‌دهند و کسب و کار او همچنان در همان مقیاس کوچک باقی می‌ماند.

1. Panama
2. Ina
3. fixed-term
4. severance pay
5. Timnit
6. assets in accounts

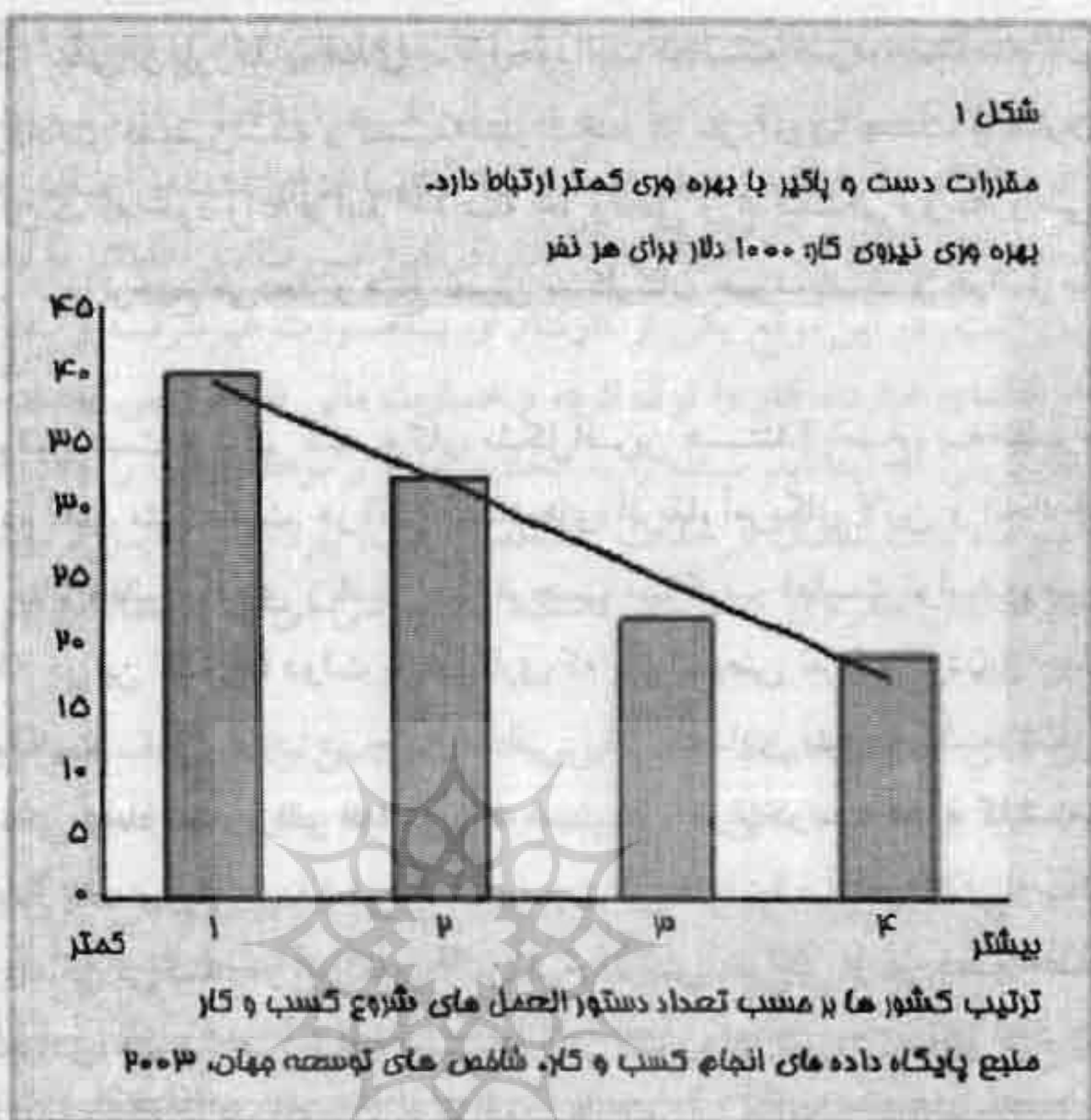
آویک،<sup>۱</sup> یکی از بازرگانان هندی - با وجود ثبت فعالیت خود، استخدام کارکنان، عقد قراردادهای تضمین شده و کسب اعتبار - قادر به سودآوری نیست و کار را رها می‌کند. آویک که خود را با فرآیند ۱۰ ساله حل و فصل ورشکستگی روبه‌رو می‌بیند، فرار را بر قرار ترجیح می‌دهد و هیچ نصیبی به کارکنان خود، بانک و عوامل مالیاتی نمی‌رساند.

آیا قوانین دست و پاگیر کسب و کار، مشکل‌آفرین هستند؟ پاسخ، به خصوص در مورد مردم فقیر، مثبت است. در اکثر قسمت‌های آفریقا، آمریکای لاتین و اتحاد جماهیر شوروی سابق، قانون‌گذاری زیاد از حد، موجب سرکوب فعالیت تولیدی می‌شود (شکل ۱). در این کشورها دولت به آن کاری که باید - یعنی تعریف کردن و حمایت از حقوق مالکیت - نمی‌پردازد. در چنین مناطقی، رشد اقتصادی متوقف گشته، شغل‌های جدید اندکی ایجاد شده و فقر افزایش یافته است. در آفریقا در سه دهه گذشته، نرخ فقر افزایش یافته و بیش از ۴۰ درصد از جمعیت این قاره، با درآمدی کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند. در آمریکای لاتین، نرخ افزایش فقر پس از دو دهه اصلاحات کلان اقتصادی، هنوز کاهش نیافته است. در اکثر کشورهای شوروی سابق، نرخ فقر در طول دهه پیش از فروپاشی کمونیسم افزایش یافت و روند آن پس از فروپاشی حتی تشدید نیز شد. در سال ۲۰۰۳، تعداد مردمی که درآمد کمتر از یک دلار در روز داشتند، به ۱/۲ میلیارد و تعداد افراد زیر خط فقر دو دلار در روز به ۲/۸ میلیارد نفر رسید.

یک جوان ۱۸ ساله اکوادوری می‌گوید: «قبل از هر چیز دوست دارم که شغلی داشته باشم، مهم نیست که چه باشد». این جمله از «صدای فقرا»<sup>۲</sup> - یکی از تحقیقات بانک جهانی - است که به دیدگاه‌های مردم فقیر از گوشه و کنار جهان پرداخته است. مردم می‌دانند که چگونه باید از چنگال فقر گریخت. آنچه که نیاز دارند، یافتن شغلی مناسب است. بررسی‌های مبتنی بر داده‌های خانوار تأیید می‌کنند که در اکثر موارد، مردمی که از فقر خلاص شده‌اند، به واسطه دست یافتن به فرصت‌های شغلی جدید، موفق به این کار شده‌اند.

1. Avik

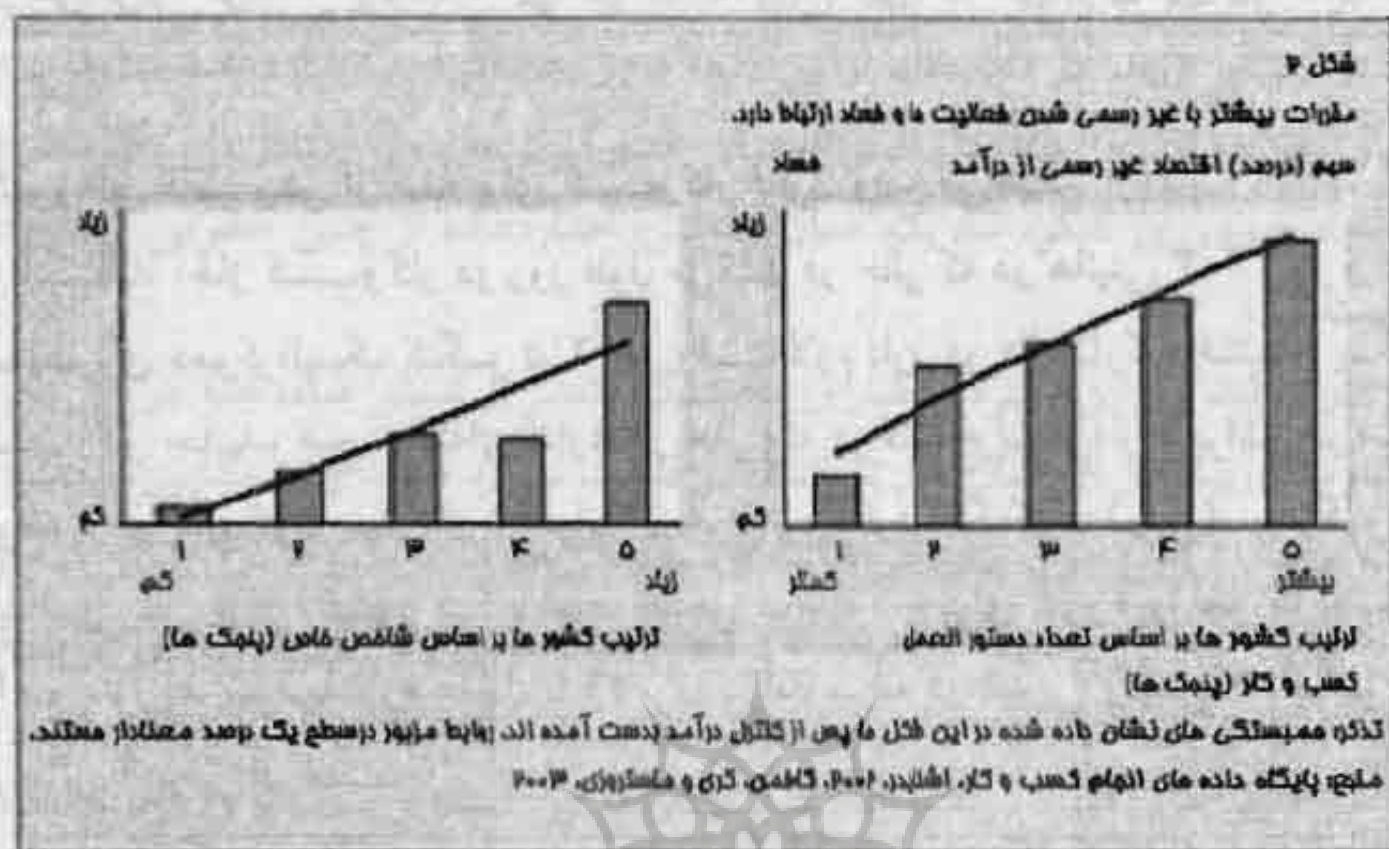
2. Voice of the Poor



البته هر شغلی به خلاصی از فقر منجر نمی‌شود. اگر مشکل، صرفاً ایجاد اشتغال بود، دولت‌ها می‌توانستند با استخدام کردن همه مردم، به چنین شعبده‌ای دست بزنند. چنین چیزی در برخی از قسمت‌های دنیا، به خصوص در زمان حکومت‌های کمونیستی تجربه شد. آنچه لازم است، ایجاد مشاغل مولد و کسب‌وکارهای جدیدی است که به خلق ثروت بینجامند. به این منظور، شرکت‌ها باید با شرایط بازار جدید تطبیق یابند و فرصت‌های رشد را از دست ندهند. اما در اکثر موارد، چنین انعطافی به خاطر قوانین سخت و دست و پاگیر از دست می‌رود. کسب‌وکارهای مولد در شرایطی رونق می‌یابند که حکومت جداً به تعریف کردن حقوق مالکیت و حمایت از آن پردازد. ولی در اوضاع و احوالی که حکومت برای همه جوانب کسب‌وکار به وضع قوانین مفصل می‌پردازد، فعالیت‌های کسب‌وکار به اقتصاد غیررسمی<sup>۱</sup> (زیرزمینی) کشیده می‌شود.

1. informal economy

مداخلات قانون‌گذاری، در کشورهایی که ضمانت اجرا در آنها در معرض سوءاستفاده و فساد قرار دارد مخرب‌تر است (شکل ۲).



گروه مطالعاتی کسب و کار در بانک جهانی، برای مستند کردن قانون‌گذاری کسب و کار و تحقیق در مورد تأثیر قانون‌گذاری بر مواردی از قبیل بهره‌وری، بیکاری، رشد اقتصادی، فقر و غیررسمی شدن (فعالیت‌ها)، گروهی تشکیل داده و داده‌های جمع‌آوری شده درباره پنج سرفصل - شروع کسب و کار،<sup>۱</sup> استخدام و اخراج کارکنان،<sup>۲</sup> ضمانت حسن اجرای قرارداد،<sup>۳</sup> کسب اعتبار<sup>۴</sup> و خاتمه کسب و کار<sup>۵</sup> - را تحلیل کردند. کارآیی نهادهای ضمانت اجرا - از قبیل مراکز ثبت تجاری، شهرداری‌ها، مالیات، اخراج و تأمین اجتماعی، و بازرسی‌های نیروی کار، مؤسسات ثبت اعتبار و وثیقه، و در نهایت دادگاه‌ها - نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

«انجام کسب و کار» با پنج پرسش آغاز می‌شود: آیا در کشورهای مختلف تفاوت معناداری از لحاظ مقررات کسب و کار دیده می‌شود؟ اگر چنین است، دلیل این تفاوت‌ها چیست؟ چه نوع مقرراتی موجب بهبود پیامدهای اقتصادی و اجتماعی می‌شود؟ موفق‌ترین الگوهای مقرراتی کدام هستند؟ و مهم‌تر از اینها، حوزه عمل

1. starting a business
2. hiring and firing workers
3. enforcing a contract
4. getting credit
5. closing a business

حکومت در تسهیل فعالیت‌های کسب و کار چیست؟ با افزایش تعداد عناوین موضوعات در ویرایش‌های آینده «انجام کسب‌وکار»، این سؤالات، بیشتر و دقیق‌تر مورد بررسی قرار خواهند گرفت. تحلیل‌های امسال، پاسخ‌هایی مقدماتی برای این پرسش‌ها در بردارند.

### کشورهای فقیر بیش از همه برای کسب‌وکار قانون وضع می‌کنند

در استرالیا، آغاز کسب‌وکار دو روز طول می‌کشد در حالی که در هائیتی ۲۰۳ روز و در جمهوری دموکراتیک کنگو ۲۱۵ روز وقت لازم دارد. در دانمارک، افتتاح یک کسب‌وکار جدید، هیچ هزینه‌ای ندارد، در حالی که در کامبوج بیش از ۵ برابر درآمد سرانه و در سیرالئون<sup>۱</sup> بیش از ۱۵ برابر آن خرج برمی‌دارد. هنگ‌کنگ (چین)، سنگاپور، تایلند و بیش از ۱۸ کشور دیگر، شرط حداقل سرمایه لازم برای شروع را لغو کرده‌اند، اما در سوریه، سرمایه لازم معادل با ۵۶ برابر درآمد سرانه، در اتیوپی و یمن ۱۷ برابر و در مالی ۶ برابر آن است.

صاحبان کسب‌وکار در جمهوری چک و دانمارک می‌توانند کارکنان خود را طبق قراردادهای پاره‌وقت<sup>۲</sup> یا با سررسید معین<sup>۳</sup> برای هر شغلی استخدام کنند، بدون آنکه حداکثر مدت قرارداد را مشخص کرده باشند. خاتمه دادن به کار پاره‌وقت، که از بعضی قوانین معاف است، کم‌هزینه‌تر از خاتمه دادن به شغل تمام وقت است. اما قوانین کار در السالوادور، قراردادهای سررسید معین را فقط برای مشاغل خاصی مجاز دانسته و مدت آن را حداکثر یک سال وضع کرده‌اند. کارگران پاره‌وقت از مزایای شغلی کارگران تمام‌وقت بهره‌مندند و دستورالعمل‌های اخراج (انفصال از خدمت)<sup>۴</sup> آنها یکسان است.

یک قرارداد تجاری ساده، در تونس هفت روز و در هلند ۳۹ روز طول می‌کشد تا به ضمانت اجرایی برسد، ولی در گواتمالا<sup>۵</sup> ۱۵۰۰ روز به طول می‌انجامد. هزینه ضمانت اجرای قرارداد در اتریش، کانادا و انگلستان کمتر از یک درصد مبلغ دعاوست، در حالی که در بوركینافاسو<sup>۶</sup> جمهوری دومینیکن، اندونزی، جمهوری قرقیزستان، ماداگاسکار، مالاوی و فلیپین به بیش از ۱۰۰ درصد آن می‌رسد.

1. Sierra Leone
2. part - time
3. fixed - term
4. dismissal
5. Guatemala
6. Burkina Faso

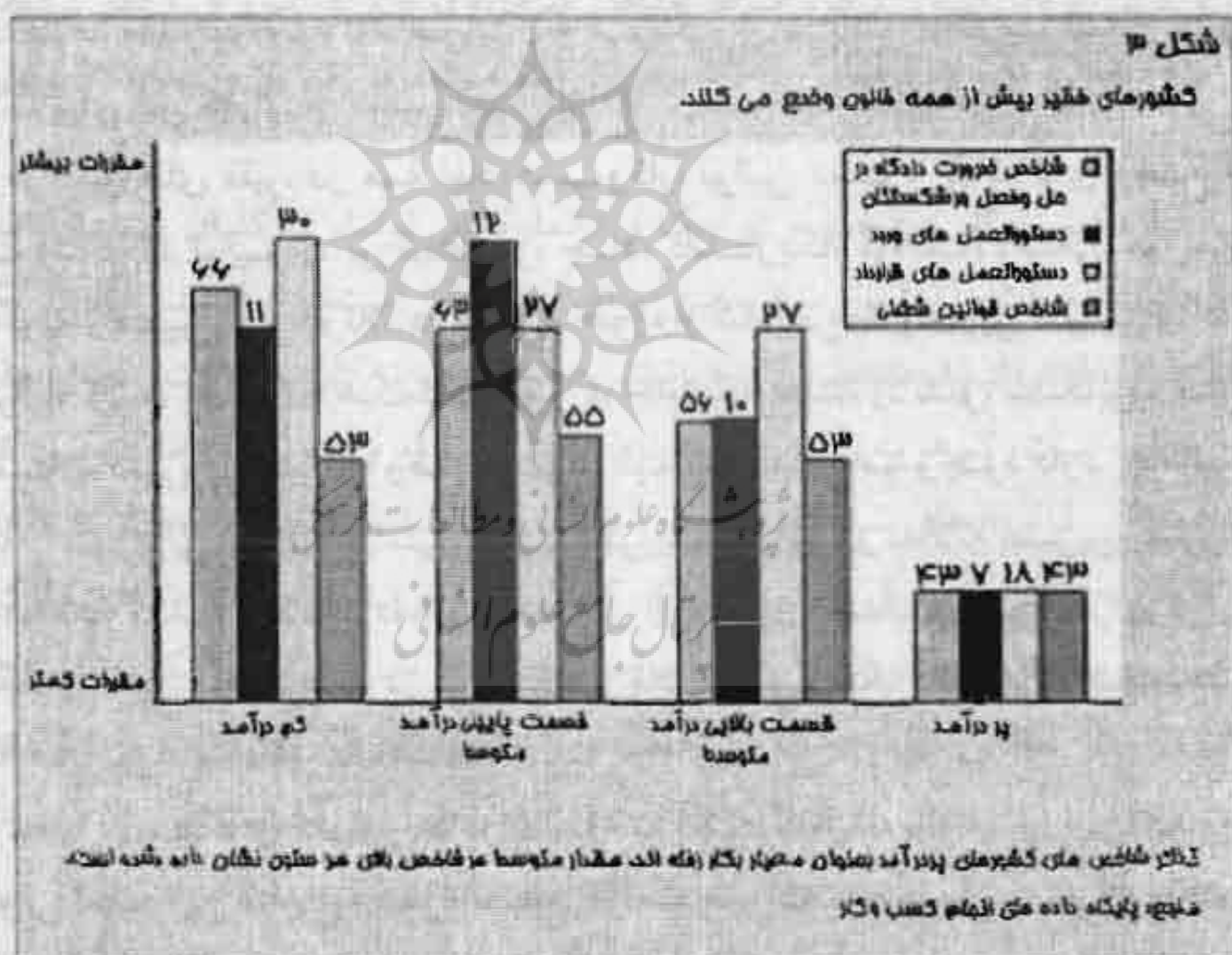
ادارات اعتباری در زلاندنو، نروژ و ایالات متحده، تقریباً سوابق اعتباری همه بزرگسالان را جمع‌آوری می‌کنند، در حالی که دفاتر ثبت اعتبار در کامرون، غنا، پاکستان، نیجریه و صربستان و مونتگرو سوابق اعتباری کمتر از یک درصد بزرگسالان را در اختیار دارند. در انگلستان، قوانین وثیقه و ورشکستگی، به اعتباردهندگان قدرت زیادی می‌دهد تا در صورت خطای احتمالی اعتبارگیرنده، پول را بازپس بگیرند. در کلمبیا، جمهوری کنگو، مکزیک، عمان و تونس، اعتباردهنده از چنین حقوقی برخوردار نیست.

در ایرلند و ژاپن، گردش کار ورشکستگی کمتر از شش ماه، اما در برزیل و هندوستان بیش از ۱۰ سال طول می‌کشد. در فنلاند، نروژ، هلند و سنگاپور، کمتر از یک درصد ارزش اموال برای طی فرایند ورشکستگی صرف می‌شود، در حالی که در چاد، پاناما، مقدونیه، ونزوئلا، صربستان و مونتگرو و سیرالئون، تقریباً نیمی از ارزش املاک برای این کار لازم است.

در کشورهای فقیر، در همه ابعاد کسب‌وکار، قوانین دست و پاگیرتری وضع شده است (شکل ۳). بولیوی، بورکینافاسو، چاد، کاستاریکا، گواتمالا، مالی، موزامبیک، پاراگوئه و فیلیپین و ونزوئلا، در هر پنج حوزه از شاخص‌ها، بیشترین قوانین را دارند. استرالیا، کانادا، دانمارک، هنگ‌کنگ (چین)، جامائیکا، هلند، زلاندنو، سنگاپور، سوئد و انگلستان، کمترین قوانین را وضع کرده‌اند. البته استثناهایی هم وجود دارد. جامائیکا از جمله کشورهایایی است که کمترین میزان مقررات را داشته و فعالانه بهترین مقررات را در دو دهه گذشته اتخاذ کرده است. مثلاً در این کشور، ضمانت حسن اجرای قراردادها همگام با آخرین اصلاحات در انگلستان، و قانون ورشکستگی، مطابق با اصلاحات سال ۱۹۹۲ در اتریش، انجام شده است.

متغیر مهم دیگری که تفاوت میزان مداخله قانون‌گذارانه را تعیین می‌کند، منشأ حقوقی است. این متغیر به همراه سطح درآمد هر کشور، دلیل بیش از ۶۰ درصد تفاوت‌های مقرراتی بین کشورها است. اگر چه مدت‌هاست که ثروت هر کشور، به عنوان عاملی تعیین‌کننده در کیفیت نهادهای آن شناخته شده است (مثلاً در نوشته‌های برنده نوبل، داگلاس نورث)، ولی نقش مهم منشأ حقوقی، به‌نازگی مورد توجه قرار گرفته است. روش‌های قانون‌گذاری در اکثر کشورهای در حال توسعه، بومی نبوده و

متأثر از میراث دوران استعماری آنها می‌باشد. در آن زمان که انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها، اسپانیایی‌ها، هلندی‌ها، آلمانی‌ها و پرتغالی‌ها بیشتر قسمت‌های دنیا را مستعمره خود ساختند، قوانین و نهادهای خود را نیز به آن مناطق سرایت دادند. اکثر کشورها پس از کسب استقلال، قانون‌گذاری خود را مورد تجدیدنظر قرار دادند، اما در معدودی از موارد، تغییراتی اساسی ایجاد شد. چنین پیوندهای جدیدی [که به بدنه نظام قانون‌گذاری اقتباس شده از استعمارگران وصل شده بود - م] موجب تغییراتی نظام‌یافته شد که نه محصول گزینه‌های سیاسی داخلی این کشورها بود و نه واکنشی در جهت بهبود کارایی نظام قانون‌گذاری به حساب می‌آمد. کشورهای حقوق عرفی<sup>۱</sup> کمترین حجم قانون‌گذاری و کشورهای تابع روال قانون مدنی فرانسوی<sup>۲</sup> بیشترین قانون‌گذاری را دارند.



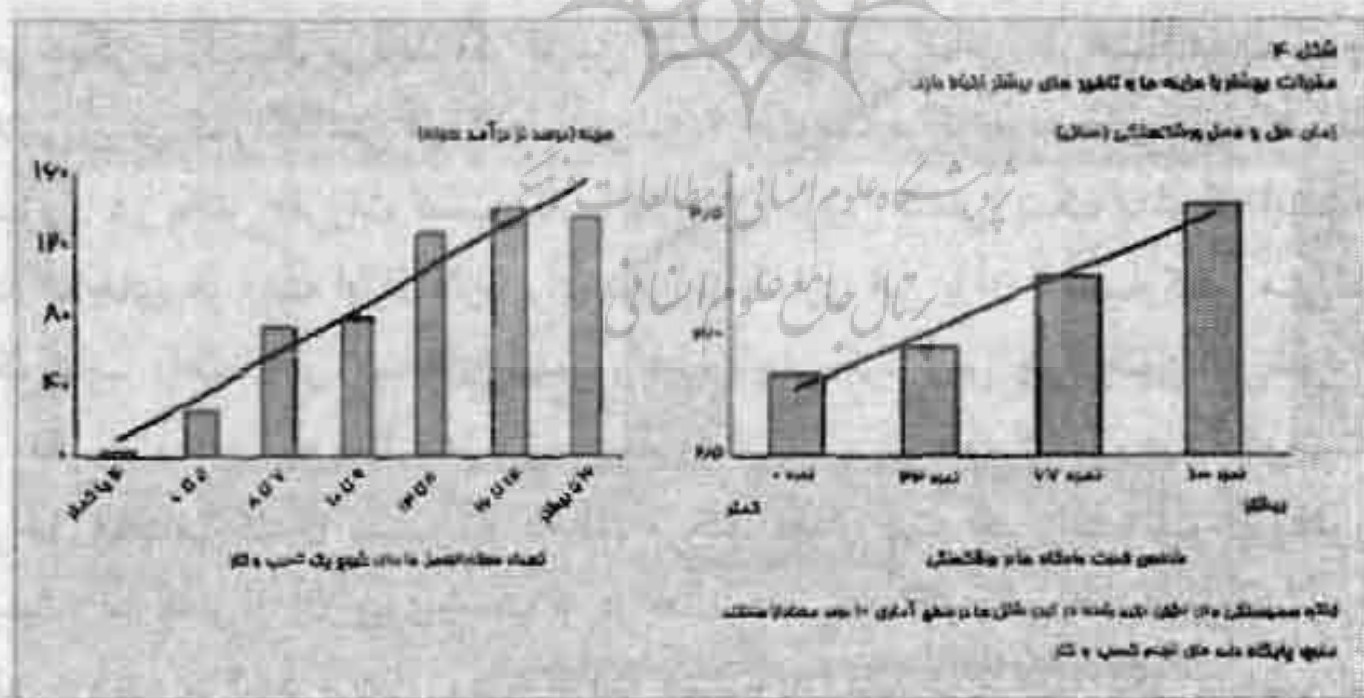
با این حال، میراث قانون‌گذاری [استعماری]، سرنوشت مقدر هر کشور نیست. مثلاً تونس از لحاظ ضمانت حسن اجرای قراردادها در زمره کشورهای با کمترین مقررات و



بیشترین کارآمدی قرار می‌گیرد. اوروگونه نیز جزو کشورهایی است که در مورد استخدام و اخراج کارکنان، کمترین قانون‌ها را وضع کرده‌اند. برخلاف اینها، سیرالئون - یکی از کشورهای حقوق عرفی - قوانین فراوانی برای ورود به کسب‌وکار وضع کرده است. هندوستان نیز که از دیگر کشورهای حقوق عرفی به حساب می‌آید، به یکی از پرتراکم‌ترین نظام‌های قانون‌گذاری بازار کار و ناکارآمدترین نظام‌های ورشکستگی دچار است. مقررات بیشتر، پیامدهای ناگواری به جای می‌گذارد.

### قانون‌گذاری بیشتر، پیامدهای ناگواری به همراه دارد

به‌طور کلی، مقررات بیشتر، با افزایش ناکارآمدی نهادهای عمومی، افزایش تأخیرها و هزینه‌های بیشتر (شکل ۴) و با تعداد بیشتر بیکاران، فساد [اداریم]، بهره‌وری و سرمایه‌گذاری کمتر مرتبط دانسته می‌شود، در حالی که تأثیری خوشایند بر کیفیت کالاهای بخش خصوصی یا عمومی نیز ندارد. حکومت‌های کشورهای فقیر که بیش از همه قانون وضع می‌کنند، کمترین ظرفیت ضمانت حسن اجرا و کمترین موازنه و بازرسی را به‌منظور حصول اطمینان از عدم سوءاستفاده دستگاه قضایی و اخذ رشوه از صاحبان کسب‌وکار انجام می‌دهند.



مقررات بیش از حد،<sup>۱</sup> تأثیری منحرف‌کننده (فسادبرانگیز) بر همان مردمی (قشرهایی) دارد که به قصد حمایت از آنها وضع می‌شود. افراد ثروتمند و کسانی که از روابط [ویژه] بهره‌مندند، توانایی گریز از قوانین دست و پاگیر را دارند و حتی در برخی

1. excessive regulation

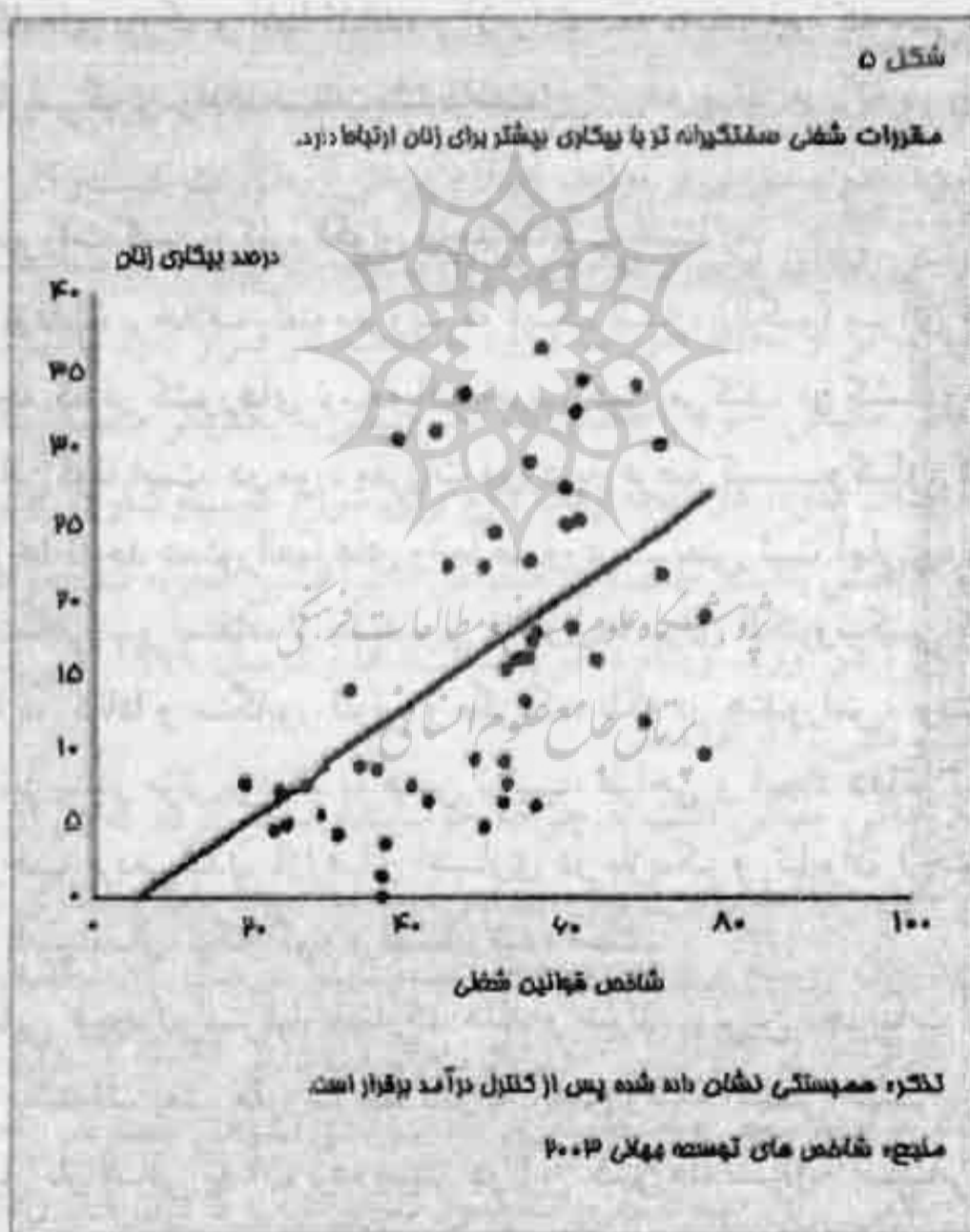
موارد، تحت حمایت این قوانین قرار می‌گیرند. دیگران هستند که آسیب می‌بینند. مثلاً قوانین سخت‌گیرانه شغلی، با فرصت‌های شغلی کمتر برای زنان، ارتباطی تنگاتنگ دارند (شکل ۵).

محدودیت‌های قانونی کمتر در استفاده مشترک از اطلاعات اعتباری، بیش از همه دسترسی بنگاه‌های کوچک به منابع تأمین اعتبار را بهبود می‌دهد. مقررات بیش از حد، کارآفرینان را به فعالیت در اقتصاد غیررسمی ترغیب می‌کند. در بولیوی - یکی از کشورهای دنیا که زیاده‌ترین قوانین دنیا را دارد - طبق تخمین‌ها، ۸۲ درصد فعالیت‌های کسب‌وکار در بخش غیررسمی انجام می‌شود. در آنجا کارگران از هیچ‌گونه مزایای تأمین اجتماعی بهره‌مند نبوده و نمی‌توانند از برنامه‌های بازنشستگی یا کمک هزینه تحصیلی برای فرزندان خود استفاده کنند. صاحبان کسب‌وکار در این کشور، مالیات نمی‌پردازند و در نتیجه منابع لازم برای اجرای طرح‌های زیربنایی کاهش می‌یابد. کنترل کیفیت کالاها اصلاً وجود ندارد و کارآفرینان از نرس بازرسی‌ها و مأموران پلیس، کار خود را کوچک‌تر از مقیاس کارآمد نگه می‌دارند.

منتقدان عقیده دارند که قوانین مفصل در کشورهای در حال توسعه، به ندرت ضمانت اجرایی داشته و در تنظیم کسب و کار روزمره مردم هیچ نقشی ندارد. بررسی‌ها چیز دیگری را نشان می‌دهد: اگر قوانین کشورهای فقیر نامربوط هستند، پس چرا تلاشی برای کنار گذاشتن آنها انجام نمی‌شود؟ حکومت می‌تواند به جای هزینه هر مقام مسئول در بخش مقررات کسب‌وکار یا در حوزه قوانین شغلی، یک پزشک استخدام کند. به جای هر دسته اوراق لازم برای مجوز راهاندازی این یا آن کسب‌وکار، می‌تواند یک کتاب راهنما [در زمینه‌های علمی و غیره] چاپ کرد [پس چرا چنین نمی‌شود؟].

مقررات خوب به معنای عدم وجود مقررات نیست. در همه کشورها، حکومت در مراحل مختلف کنترل کسب‌وکار دخالت می‌کند. مقدار بهینه مقررات، نبودن مقررات نیست، اما کمتر از آن چیزی است که در حال حاضر در اکثر کشورها به ویژه کشورهای فقیر - دیده می‌شود. برای ورود به عرصه کسب‌وکار، فقط دو مرحله یکی مرحله ثبت به منظور جمع‌آوری اطلاعات آماری و دیگری برای مالیات و تأمین اجتماعی - برای تکمیل عملیات اجتماعی این فرآیند کافی است. استرالیا مراحل ورود به کسب‌وکار را در حد همین دو مرحله تنظیم کرده است. سوئد سه مرحله دارد که ثبت در دفتر نیروی کار را نیز شامل می‌شود. زلاندنو که نظام اقتصادی آن کمترین مقررات را در سراسر دنیا دارد، فقط ۱۹ دستورالعمل برای ضمانت حسن اجرای قراردادها وضع کرده است.

دانمارک، در قانون گذاری اشتغال خود، کار هفتگی را ۳۷ ساعت، حداکثر پرداخت اضافه کاری را ۵۰ درصد، حداقل مرخصی سالانه همراه با دستمزد را ۲۷ روز، و غرامت انفصال از خدمت را برای سابقه ۲۰ سال یا بیشتر، به اندازه ۱۰ ماه از حقوق فرد تعیین کرده است. همچنین سایر ابعاد استخدام و اخراج و شرایط اشتغال نیز در این کشور مشمول مقررات شده است. هیچ کس تصور نمی کند که علیه کارگران دانمارکی تبعیض اعمال شود. با این حال دانمارک از جمله کشورهای است که انعطاف پذیرترین قوانین اشتغال را دارد. این کشور مثالی از تمایز بین سخت گیری قوانین و حمایت های اجتماعی است. مقررات دست و پاگیر، در اغلب موارد، ابزار نامناسبی برای حمایت از گروه های فقیر جامعه است.



شاید بهتر باشد که حکومت ها به جای صرف هزینه برای مقررات، حقوق مالکیت شهروندان خود را دقیق تر تعریف کرده و در برابر مزاحمت سایر شهروندان یا دولت، از آنها بهتر حمایت کنند. در «انجام کسب و کار» دو مثال از چنین حقوقی عبارتند از حقوق

اعتباردهنده<sup>۱</sup> - یعنی حقوق قانونی قرض‌دهندگان برای بازپس گرفتن مطالبات خود، در صورت تخلف قرض‌گیرنده - و کارآیی در تضمین حقوق مالکیت<sup>۲</sup> از طریق دادگاه‌ها. کشورهای که از چنین حقوقی حمایت می‌کنند - کشورهای ثروتمندی همانند ژلاندنو و انگلستان، و کشورهای فقیری مانند بوتسوانا، تایلند و آفریقای جنوبی - نتایج اقتصادی و اجتماعی بهتری می‌گیرند. در بازارهای اعتباری، اطمینان قرض‌دهندگان از بازدهی مناسب سرمایه‌گذاری - حتی در صورت کنترل درآمد، رشد درآمد، تورم و ضمانت حسن اجرای قراردادها - موجب افزایش تنوع و پویایی بازار و افزایش بهره‌وری سرمایه‌گذاری‌ها می‌گردد. چنین اطمینانی منجر به افزایش دسترسی به این بازارها نیز می‌شود زیرا قرض‌دهندگان تمایل پیدا می‌کنند تا کار خود را به محدوده‌ای فراتر از بنگاه‌های بزرگ و آشنا کشانده و آن را توسعه دهند، چرا که می‌دانند حقوق آنها برای بازپس‌گیری وام‌ها ضمانت شده است.

در تعیین مقررات کسب‌وکار، الگوی واحد مناسب است

بسیاری از اوقات، برخلاف گفته معروف که «یک اندازه (الگو) برای همه مناسب نیست»، آنچه که در کشورهای توسعه‌یافته خوب عمل می‌کند، در کشورهای در حال توسعه نیز این‌گونه است. در مورد مقررات ورود به عرصه کسب‌وکار، کاهش تعداد دستورالعمل‌ها تا حد دستورالعمل‌های واقعاً ضروری - یعنی ثبت آماری، و ثبت مالیاتی و تأمین اجتماعی - و استفاده از جدیدترین فناوری‌ها برای الکترونیکی کردن فرآیند ثبت، نه تنها در کانادا و سنگاپور، لتونی و مکزیک، بلکه در هندوراس، ویتنام، مولداوی و پاکستان نیز بسیار مؤثر بوده‌اند. به همین ترتیب، طراحی و ایجاد دفاتر ثبت اطلاعات اعتباری موجب مردمی‌شدن بازارهای اعتباری در بلژیک و تایوان (چین) و نیز در موزامبیک، نامیبیا، نپال، نیکاراگوئه و لهستان شده است.

کشورهایی همچون استرالیا، دانمارک، هلند و سوئد، بهترین تجربیات را در مقررات کسب‌وکار داشته‌اند، یعنی مقررات آنها قادر به ایفای وظیفه اصلی کنترل کسب‌وکار، بدون تحمیل بار اضافی به آن، بوده است. در این کشورها، سرمایه انسانی مطلوب در امور اجرایی عمومی ر استفاده از فناوری نوین، بار مقرراتی صاحبان کسب‌وکار را به حداقل می‌رساند. موقعی که بازارهای خصوصی فعال باشند، رقابت، نقش قوانین را

به عهده می‌گیرد. این کشورها ترکیبی از مقررات ساده با تعاریف دقیق و حمایت از حقوق مالکیت را به کار گرفته و به چیزی رسیده‌اند که سایر کشورها در تقلا می‌رسیدن به آن هستند: تبدیل شدن قانون‌گذاران دولتی به خادمین [مردم] و نه اربابان [آنها].

کشورهای صاحب تجربه موفق، سوای کمیت و کیفیت مقررات، در چگونگی وضع قوانین نیز، مشترکاتی دارند. مثلاً کشورهایی از قبیل کانادا که حداقل زمان برای ثبت یک کسب‌وکار را برقرار کرده‌اند، برگه‌های ثبتی ساده‌ای دارند که از طریق اینترنت قابل دسترسی است. کشورهایی از قبیل آلمان، تایلند و ایالات متحده که به حداقل زمان لازم برای ضمانت حسن اجرای یک قرارداد وثیقه‌ای رسیده‌اند، ضمانت اجرای خارج از دادگاه را مجاز کرده‌اند. طراحی مقررات، کارآیی آثار اقتصادی و اجتماعی آن را تعیین می‌کند.

تجربه‌های موفق، به کشورهای ثروتمند یا کشورهایی با اصلاحات قانونی جامع محدود نمی‌شود. در بسیاری از موارد، اصلاح برخی از مقررات کسب‌وکار موفقیت‌آمیز بوده است. تونس دارای یکی از بهترین نظام‌های تضمین قرارداد در دنیاست. لتونی در زمرة ۱۰ کشور برتر از لحاظ مقررات ورود به کسب‌وکار قرار دارد. پاکستان در سال ۲۰۰۲ کلیه دفاتر مالیاتی خود را به صورت الکترونیکی به یکدیگر متصل کرده و ثبت کسب‌وکار را آسان نمود. در نتیجه زمان لازم برای شروع کسب‌وکار در این کشور از ۵۳ به ۲۲ روز کاهش یافت. جمهوری اسلواکی اخیراً قوانین تجربه شده موفق در مورد وثیقه‌ها را به اجرا در آورد. ویتنام «قانون شرکت»<sup>۱</sup>ها را در سال ۱۹۹۹ تغییر داد تا رشد کسب‌وکار خصوصی را ارتقا دهد.<sup>۲</sup>

چنین اصلاحاتی ممکن است به چرخه خوشایندی منجر گردد که در آن توفیق یکی از اصلاحات، سیاست‌گذاران را ترغیب می‌کند تا اصلاحات بیشتری را به اجرا درآورند. فدراسیون روسیه ورود به عرصه کسب‌وکار را در سال ۲۰۰۳ آسان‌تر نموده، تعداد مراحل اداری را از ۱۹ به ۱۲ مورد و زمان لازم را از ۵۱ به ۲۹ روز کاهش داد (شکل ۶). اصلاحات، منجر به شکل‌گیری تعداد زیادی مشاغل خصوصی جدید شد و به نوبه خود، مبنایی برای بهبود تجربیات قانون‌گذاری دیگر گردید. قانون اشتغال نیز پس از آن اصلاح شده و موجب سهولت بیشتر در استخدام و اخراج کارکنان شده است.

البته گزینه‌های اصلاحی همیشه برای کشورهای فقیر و ثروتمند، یکسان نیست. گاهی پیش می‌آید که تجربه‌ای موفق در کشورهای توسعه‌یافته، به‌سختی قابل انتقال به کشورهای فقیر است. ورشکستگی مثالی است که نشان می‌دهد وقتی نواین بفرنج ورشکستگی در یک کشور در حال توسعه وضع شوند، معمولاً منجر به ناکارآمدی و حتی نساد می‌شوند. در این شرایط هر دو طرف، یعنی اعتباردهندگان و صاحبان کسب و کار دچار خسارت می‌شوند. در این قبیل موارد، کشورهای در حال توسعه می‌توانند الگوهای کشورهای ثروتمند را ساده کنند تا با ظرفیت و منابع اندک آنها سازگار باشد. در فقیرترین کشورها، به‌ر آنکه از نظام ورشکستگی پیچیده اجتناب شده و به جای آن به سازوکارهای موجود برای ضمانت حسن اجرای قراردادها یا به مذاکرات بین گروه‌های محرمانه متوسل شود. به همین ترتیب، دادگاه‌های تجاری تخصصی، در کشورهایی که ظرفیت اجرایی و منابع غنی‌تر دارند، بهتر کار می‌کنند. کشورهای فقیر می‌توانند اصلاحات را با توسل به همین اصل - یعنی تخصصی کردن - البته با استفاده از قضات متخصص یا بخش‌ها تخصصی در همان دادگاه‌های قضایی عمومی انجام دهند.

### تجربه اصلاحات

اصلاح قانونی در اکثر کشورهای توسعه‌یافته، امری پیوسته بوده و به‌طور مستمر محیط کسب‌وکار را بهبود داده است.

• استرالیا اصلاحات قانون‌گذاری را با مشخص ساختن زمان «افول»<sup>۱</sup> مقررات جدید آغاز کرده است که طبق آن هر قانون پس از مدت خاصی از اعتبار ساقط می‌شود مگر آنکه مجلس آن را تجدید کند. علاوه بر این، «دفتر بررسی‌های قانون‌گذاری»<sup>۲</sup> هر یک از مقررات پیشنهادی را طبق اصل «حداقل مقررات ضروری»<sup>۳</sup> مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در سال ۱۹۹۶، دفتر مزبور مأمور شد که ضمن بررسی سالانه پیشرفت‌های سالانه، بار مقرراتی کسب‌وکارهای کوچک را به نصف برساند.

• دانمارک در سال ۱۹۹۶، مقررات خود دربارهٔ ورود به عرصه کسب‌وکار را از طریق کم کردن چند دستورالعمل، الکترونیکی کردن فرآیند مزبور، و حذف همهٔ هزینه‌ها مورد

1. sunset

2. office of Regulation Review

3. minimum necessary regulation

بازبینی قرار داد. پس از آن، یک تحلیل هزینه - فایده دربارهٔ مقررات جدید انجام شد که باعث گشت از هر پنج قانون پیشنهادی، دوتای آنها کنار گذاشته شود.

• در هلند، عمده کارهای کاهش هزینه اجرایی توسط یک کارگزار مستقل به نام اکتال<sup>۱</sup> (گروه مشاورهٔ آزمون بار اجرایی) انجام شده است. این کارگزاری که در سال ۲۰۰۰ افتتاح شد، فقط نه نفر کارمند داشته و آنچنان توانایی دارد که بتواند در مورد همهٔ قوانین و مقررات پیشنهاد شده مشاوره بدهد. تا به امروز ساده‌سازی دستورالعمل‌های اجرایی در حوزه‌های مالیات ستانی شرکتی، تأمین اجتماعی، مقررات زیست محیطی و نیازهای آماری صورت گرفته است. تخمین زده می‌شود که فقط از محل اصلاح دستورالعمل‌های مالیاتی، ۶۰۰ میلیون دلار صرفه‌جویی شده باشد.

سوند روش «ماشین کاغذبری»<sup>۲</sup> را برای اصلاحات مقرراتی خود اتخاذ کرده است که طبق آن، پس از آنکه دولت به صورت دوره‌ای عوامل قانونی را موظف به ثبت مقررات اساسی (ضروری) می‌کند، صدها قانون متروک از اعتبار ساقط می‌شوند.

اما در کشورهای در حال توسعه، اصلاحات بسیار کمتری انجام شده و در نتیجه صاحبان کسب‌وکار، بار مقررات منسوخ و بی‌استفاده را به دوش می‌کشند. مثلاً در جمهوری دومینیکن، قدمت مقررات آغاز کسب‌وکار شرکتی به سال ۱۸۴۴، در آنگولا به ۱۹۰۱، و در بوركینا فاسو به ۱۹۱۶ می‌رسد. اما کشورهای OECD همگی قوانین خود را در دههٔ گذشته اصلاح کرده‌اند. قوانین اشتغال در آفریقا نیز مربوط به دوران استعماری بوده یا دقیقاً پس از استقلال اصلاح شده و به‌طور متوسط سه دهه از عمر آنها می‌گذرد. چنین چیزی در تضاد با «قدمت اصلاحات»<sup>۳</sup> در کشورهای در حال توسعه است که اغلب به کارگزاری‌های کمک‌های بین‌المللی نسبت داده می‌شود.

وقتی قوانین برای تأمین نیازهای کسب‌وکار در شرایط چند دهه یا حتی یک قرن پیش وضع شده باشند، نمی‌توان تعجب کرد که بار و فشار غیرضروری به صاحبان کسب‌وکار در شرایط امروزی تحمیل نکنند. با این حال زمینهٔ خوش‌بینی هنوز هم وجود دارد؛ وجود مقررات از رده خارج شده، معمولاً نتیجهٔ مقاومت در برابر تغییر یا فقدان ظرفیت‌های اصلاحی است و نه به‌خاطر تجاوز به حقوق صاحبان کسب‌وکار یا ملاحظه منافع حکومت است که هنوز هم برقرار مانده است.

1. ACTAL (Advisory Committee on the Testing of Administrative Burdens)

2. guillotine

3. refrom fatigue

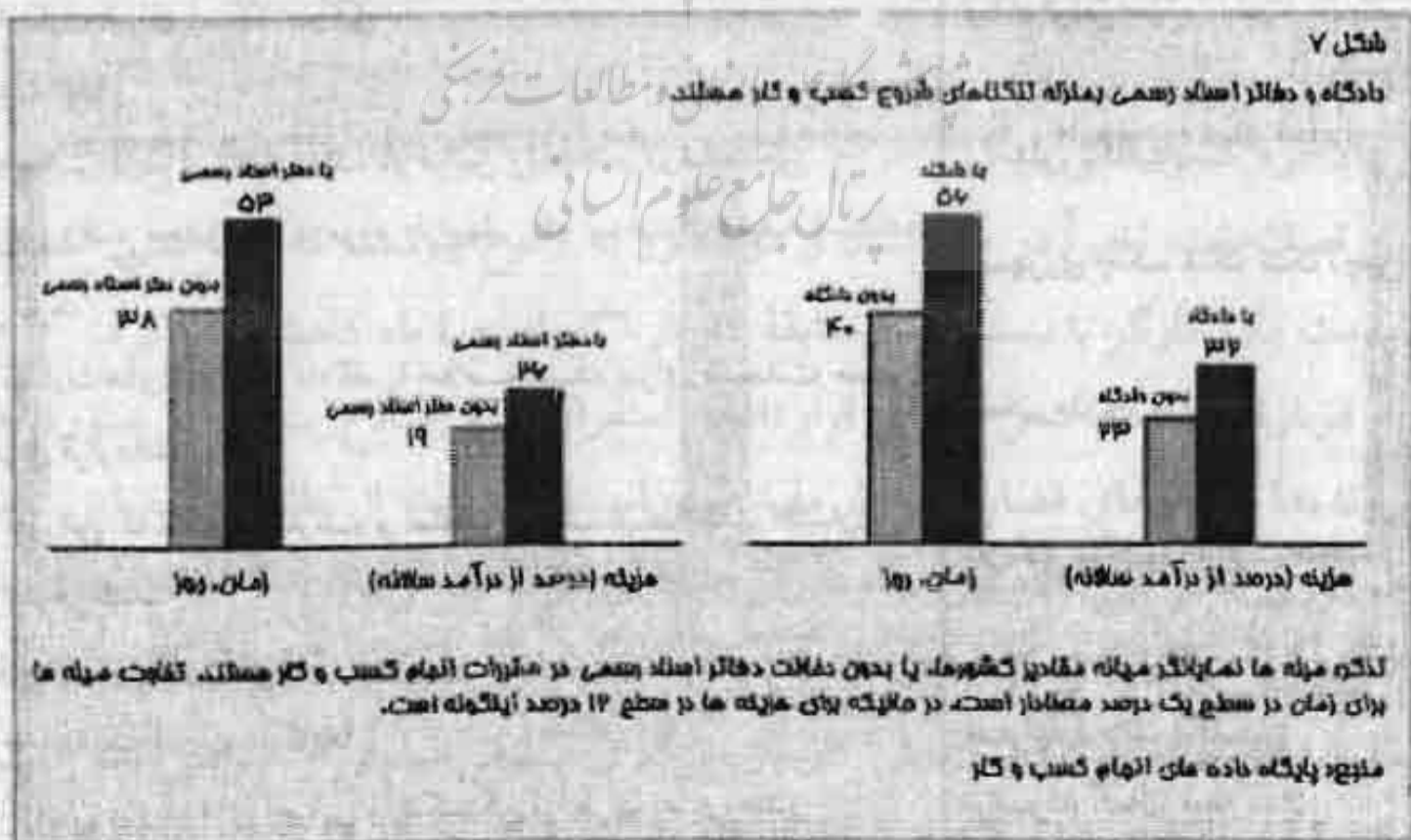
اصلاحات متعددی هست که می‌تواند بار مقررات کسب و کار را کاهش دهد. در این میان دولت می‌تواند منابع ضروری را به منظور انجام وظایفی که واقعاً برعهده اوست - مثلاً تدارک خدمات اجتماعی اساسی - اختصاص دهد. در واقع برخی از کشورها مانند جامائیکا، جمهوری کره و نایلند اخیراً برخی از ابعاد مقررات کسب و کار خود را به روش امروزی در آورده‌اند. دلیلی وجود ندارد که دیگران چنین نکنند. منافع چنین اصلاحاتی بی‌شمار بوده و نا وقتی که کاری انجام نشود، هزینه‌های اوضاع فعلی برقرار خواهد بود.

واضح است که اصلاحات همیشه آسان نیستند. مواردی هست که تبلیغات و توافقات قوی میان برخی گروه‌ها، اصلاحات قانونی را متوقف کرده یا آن را معکوس می‌کند. در سال ۱۹۹۶، حکومت پرو سعی کرد پرداختی‌های اجباری انفصال از خدمت را ۵۰ درصد کاهش دهد. هیاهوی اتحادیه‌ها موجب شد که دولت، لایحه‌اش را به سرعت پس بگیرد. در عوض، این پرداختی‌ها حتی افزایش یافتند. حکومت آلمان در می ۲۰۰۳ اصلاحات گسترده‌ای را برای انعطاف‌پذیرتر کردن بازارهای نیروی کار پیشنهاد کرد. چنین لوایحی قبلاً به خاطر ترس از اعتصاب کارگران پس گرفته شده بودند. یکی از نمونه‌های اصلاحات نافرجام، به کروواسی مربوط است که در آنجا دفاتر خصوصی اسناد رسمی، سالها بود که تلاش حکومت برای ساده‌سازی دستورالعمل‌های ورود به کسب و کار و تضمین حسن اجرای وثیقه‌ها را خنثی می‌کردند. ساده‌سازی دستورالعمل‌ها به معنی رقابت بیشتر و کاهش سود دفاتر خصوصی اسناد رسمی بود. اگر چه «انجام کسب و کار» به اقتصاد سیاسی اصلاحات قانونی نمی‌پردازد، اما گزارش‌هایی درباره مواردی از اصلاحات را که به دلیل مخالفت گروه‌های ذی‌نفع عقیم مانده‌اند، به‌عنوان شاهد ارائه می‌دهد.

تحلیل‌های موجود در این گزارش، اصلاحات سیاستی خاصی را پیشنهاد می‌کند (جدول ۱) که دو زمینه اصلی دارد: اول آنکه کشورهای فقیر راه درازتری در پیش دارند و دوم اینکه وقتی پای شیوه قانون‌گذاری به میان می‌آید، یک اندازه، اغلب برای



همه مناسب است (در بسیاری از موارد، واقعاً یک تجربه مناسب وجود دارد). فهرست مثال‌های اصلاحات هنوز ناقص است و گزارش‌های بعدی آن را کامل خواهد کرد. در مورد ورود به کسب و کار، اصلاحات آسان شامل کسب اطلاعات بهتر و فناوری ارتباطاتی درون حکومتی است تا به کارآفرینان آینده اطلاع‌رسانی کرده و همانند یک ایستگاه بدون معطلی در ثبت کسب و کار عمل کند. ساختن یک برگه ثبت‌نام واحد و کم سروصدا بودن فرآیند ثبت، توفیق بزرگی به حساب می‌آید. کاهش تعداد دستورات عمل‌ها تا حد ثبت آماری و مالیاتی و لغو حداقل سرمایه لازم، بار کارآفرینان را کم کرده و به افزایش تعداد مشاغل جدید می‌انجامد. اصلاحات دیگری که نیاز به تغییرات قانون‌گذارانه دارند عبارتند از وارد کردن یک قید عمومی در بندهای تشکیل شرکت و سلب اختیار دفاتر اسناد رسمی و رجوع به دادگاه، برای فرآیند ثبت (شکل ۷). چنین اصلاحاتی هر چند به دلیل مقاومت اراده سیاسی عوامل حکومتی و بخش خصوصی ممکن است دشوار باشند، اما تأثیرات مفیدی دارند که فراتر از حوزه ورود به کسب و کار می‌باشد.



جدول ۱: مثال‌هایی از تجربه اصلاحات مفید

مثال‌ها	اصول مقررات
چین، ایالات متحده	شروع یک کسب‌وکار
دانمارک، ترکیه	- ثبت اداری و نه قضایی
لتونی، سوئد، سنگاپور	- استفاده از یک شماره شناسایی واحد برای کسب‌وکار
استرالیا، کانادا، زلاندنو	- استفاده آسان الکترونیکی
شیلی، ایرلند، جامائیکا	- کفایت ثبت آماری و مالیاتی برای شروع عملیات
دانمارک، ایرلند، سنگاپور	- عدم احتیاج به حداقل سرمایه
استرالیا، دانمارک، اسرائیل	- استخدام و اخراج کارکنان
شیلی، کلمبیا، لهستان	- تنظیم قرارداد، بنا به توافق بین کارفرما و پیمانکار
مجارستان، لهستان	- عدم محدودیت برای قراردادهای سررسید معین
جمهوری اسلواکی، سنگاپور	- دستمزدهای متناسب با کارآموزی برای کارکنان جوان
بونسوانا، زلاندنو، هلند	- انتقال کار بین دوره‌های پرتراکم و کم‌رونق
استرالیا، ایرلند، پایواکینا نو	- ضمانت حسن اجرای یک قرارداد
لبنان، تونس	- نظام قضایی، دستگامی برای پیگیری پرونده‌ها دارد.
زلاندنو، انگلستان	- دستورالعمل‌های خلاصه در دادگاه عمومی
جمهوری چک، هنگ کنگ (چین)	- دستورالعمل‌های ساده شده در دادگاه‌های تجاری
آلمان، مالزی، مولداوی	- اجباری نبودن استخدام وکیل
بلژیک، سنگاپور، ایالات متحده	- کسب اعتبار
استرالیا، فنلاند، انگلستان	- حمایت قاطع از اعتباردهنده در قوانین وثیقه‌ها و ورشکستگی
بونسوانا، آلمان، مجارستان	- عدم وضع محدودیت در مورد داراییهایی که به‌عنوان وثیقه استفاده می‌شوند.
آرژانتین، فرانسه، هلند	- قضاوت‌های خارج از دادگاه یا خلاصه شده برای ضمانت حسن اجرای قراردادها
	- مقرراتی که انگیزه مشارکت و استفاده مناسب از اطلاعات اعتباری را فراهم می‌کنند.
	- خاتمه کسب‌وکار
	- محدودیت قدرت دادگاه‌ها
	- گزارش پرونده‌های اجرایی ورشکستگی از طرف اعتباردهنده
	- آموزش مداوم برای کارکنان اجرایی ورشکستگی

در مقررات اشتغال، پنج گونه از اصلاحات، بار کسب و کار را تسهیل کرده و فرصت‌های شغلی بهتری برای فقرا فراهم می‌کند:

• اول، در اکثر کشورهای در حال توسعه، اصلاحات کلی به منظور کاهش دامنه مقررات اشتغال، به نتایج قابل توجهی منجر شده است. تجربه کاستن از قوانین در آمریکای لاتین (شیلی، کلمبیا، گویان و اروگوئه) و نیز در کشورهای در حال گذار (مانند استونی) درس‌های بسیاری در بر دارد.

• دوم، بسیاری از کشورهای OECD به استعمال قراردادهای انعطاف‌پذیر پاره‌وقت و سررسید معین اصرار دارند. این قراردادها موجب وارد شدن گروه‌هایی (مانند زنان و جوانان) به بازار کار می‌شود که شانس کمتری برای یافتن کار دارند. آلمان طول مدت قراردادهای سررسید معین خود را تا هشت سال افزایش داده، در حالی که لهستان هیچ محدودیتی در این مورد اعمال نمی‌کند.

• سوم آنکه برخی کشورها (کلمبیا) حداقل دستمزد را کاهش داده یا حداقل دستمزد را برای تازه‌واردان کم کرده‌اند (شیلی).

• چهارم اینکه برخی کشورها (مجارستان) به کارفرمایان اجازه داده‌اند تا زمان کار را بین زمان‌های پرتراکم و خلوت جابه‌جا کنند، بدون آنکه مجبور به پرداخت اضافه‌کار باشند.

و بالاخره کشورهایی دیگر، اخراج کارکنان را تسهیل کرده‌اند. غیرمنتظره‌ترین مورد از این اصلاحات، اخیراً در صربستان و مونتنگرو به وقوع پیوست که پرداختی انفصال از خدمت یک کارگر با بیست سال سابقه کار از ۳۶ ماه به ۴ ماه کاهش پیدا کرد.

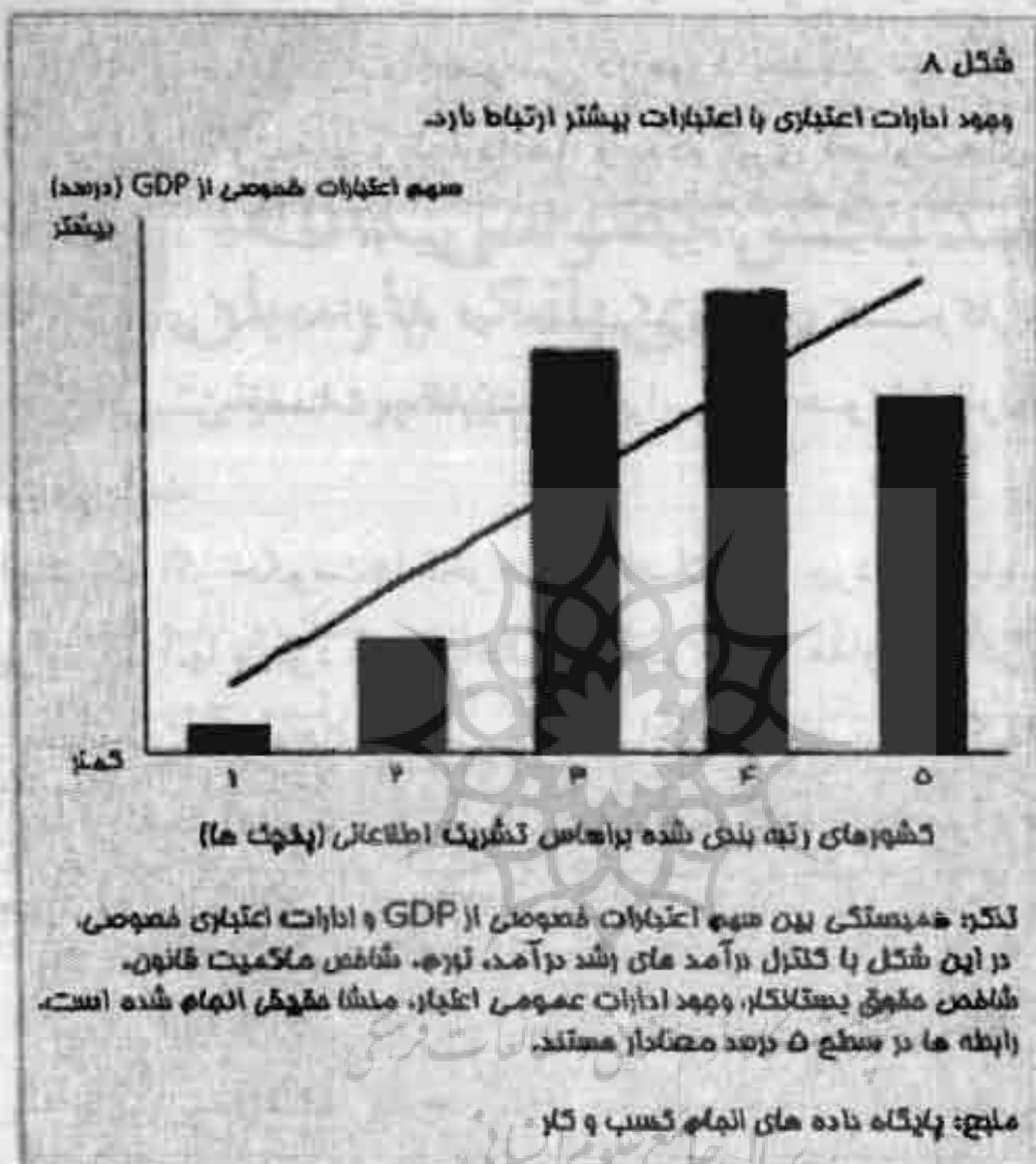
درباره ضمانت حسن اجرای قراردادها، استقرار نظام اطلاع‌رسانی در مورد حجم پرونده‌ها و آمارهای قضایی، بسیار مفید بوده است. آن دسته از نظام‌های قضایی - مانند جمهوری اسلواکی - که این نظام‌ها را راه‌اندازی کرده‌اند، می‌توانند مراجعان عمده خود و مهم‌ترین تنگناها را بشناسند. فایده دستورالعمل‌های ساده‌کننده نیز به اثبات رسیده است. مثلاً خلاصه کردن گردش کار بازپس‌گیری بدهی‌ها، از آن نوعی که اخیراً در مکزیک راه‌اندازی شده است، به خاطر کاهش پیچیدگی دستورالعمل، تراکم دادگاه‌ها را

کم می‌کند. به هنگام قضاوت دربارهٔ تفصیرات بازپرداخت وام‌ها، قضاوت خودکار<sup>۱</sup> نیز - در مواردی که متهم در دادگاه حاضر نمی‌شود - تأخیرها را بسیار کم می‌کند. دادگاه‌های خاص برای دعاوی کوچک و دادگاه‌های تجاری تخصصی از جمله اصلاحات ممکن در قوه قضائیه است. در چند کشور که دادگاه‌های دعاوی کوچک به راه انداخته‌اند (ژاپن، ژلاندنو و انگلستان) حداکثر تعداد دعاری قابل استماع در دادگاه افزایش یافته است. البته امکان دارد که شیوه متفاوتی برای دادگاه‌های کشورهای در حال توسعه لازم باشد. در کشورهایی همانند آنگولا، موزامبیک یا نپال، که نظام قضایی هنوز در مراحل اولیه رشد خود به سر می‌برد، شاید تأسیس دادگاه‌های تخصصی زود باشد. در این مناطق، می‌توان اصلاحات را از طریق استقرار یک بخش تخصصی تجاری در همان دادگاه‌های عمومی یا تربیت قضات متخصص انجام داد.

ساده‌سازی دستورالعمل‌های قضایی به کاهش زمان و هزینه منجر می‌شود. مثلاً در برخی کشورها مانند آرژانتین، بولیوی، مراکش و اسپانیا، صاحبان کسب و کار مجبورند برای حل و فصل دعاوی تجاری، به استخدام وکیل بپردازند. چنین اجباری، گاهی بدون آنکه لازم باشد، هزینه‌های ضمانت اجرای قراردادها را افزایش می‌دهد. در بسیاری از موارد، فقط کافی است که شاکی شواهد تحویل کالاها را ارائه داده و حکم پرداخت مطالبه او صادر شود.

برقرار کردن مقررات و انگیزه‌های مناسب، به منظور تسهیل شکل‌گیری ادارات اعتباری خصوصی، گام اول در ترویج دسترسی به اعتبارات است (شکل ۸). در برخی موارد - به خصوص در کشورهای فقیری که انگیزه‌های تجاری ادارات اعتباری خصوصی ناچیز است - تأسیس دفاتر عمومی ثبت اعتبار، فقدان مشارکت بخش خصوصی را جبران کرده و به عنوان بهینه دوم برای یک اداره خصوصی کارآمد عمل کرده است. طراحی مقررات اطلاعات اعتباری بر کارایی ادارات تأثیر می‌گذارد؛ پوشش

بیمه‌ای فراگیر اعتباردهندگان و مقررات مناسب برای بازپس‌گیری قرض‌ها، توزیع و کیفیت اطلاعات (از جمله حفظ اسرار و اطلاعات)، همگی با عملکرد بهتر در بازارهای اعتباری مرتبط هستند.



حمایت حقوقی از اعتباردهندگان را می‌توان با اصلاح قانون وثیقه‌ها بهبود بخشید: استفاده از شیوه‌های خارج از دادگاه (مانند شورای حل اختلاف - م) و یا استفاده از رویه‌های قضائی اختصاری، حذف موانعی که بر سر راه استفاده از دارایی‌ها به‌عنوان وثیقه و ام‌ها و جرد دارد، تقویت حق اعتباردهندگان در توقیف اموال در دفاتر ثبت اعتبارات، وضع قوانین شفاف در مورد حق تقدم بستانکاران از وثیقه‌ها و افزایش توان بستانکاران برای بازپس‌گیری مطالبات خود به هنگام ورشکستگی بدهکاران می‌تواند دسترسی به اعتبارات را افزایش دهد.

سه مورد از اصلاحات ورشکستگی بسیار نویدبخش است. اولین اصلاح، انتخاب قانون ورشکستگی مناسب - متناسب با درآمد و ظرفیت‌های نهادی هر کشور - است.

اگر نظام قضایی ناکارآمد باشد، بهتر است که منابع موجود، صرف نظام‌های پیچیده ورشکستگی نشوند. معمولاً به غلط تصور می‌شود که قوانین ورشکستگی برای ضمانت حقوق اعتباردهندگان ضروری هستند. در عمل، چنین قوانینی به عدم اطمینان حقوقی دامن زده و تأخیرهای رسیدگی در کشورهای در حال توسعه را افزایش می‌دهند. آنچه که معمولاً به کار می‌آید، مذاکرات خصوصی در مورد تجدید ساختار بدهی‌ها، طبق موازین قانون معاملات وثیقه‌ای و قراردادهای و به کارگیری قضاوت‌های سریع - شبیه به ضمانت ساده قرارداد - است. دومین اصلاح، افزودن مشارکت سهامداران در فرآیند ورشکستگی، به جای اتکا به دادگاه در تصمیم‌گیری برای کسب و کار مورد نظر است. سومین اصلاح، تربیت قضات و کارکنان اجرایی در حوزه قانون و مسائل عملی ورشکستگی می‌باشد.

مسلم است که اگر حکومت‌ها بخواهند به اصلاحات پردازند، باید زمینه‌های قوی به نفع تغییرات در آنها وجود داشته باشد، به نحوی که مقاومت در برابر تغییرات و تبلیغات و مصالحات گروه‌های سیاسی یا تجاری مخالف، تأثیرگذار نباشد. «انجام کسب و کار» با ارائه شواهد، نیاز به تغییرات را توصیه کرده و در مورد طراحی مقررات و نهادهای جدید به آگاه‌سازی می‌پردازد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی